علیرضا صوت اکبر/ ایران

سفر به افغانستان؛ سرزمین رازها- بخش پنجم و پایانی

# پنجشیر زیبا، پنجشیر خطرناک

محمد معصومیان
گزارش نویس

خبرهای درگیری مرزی، بین ارتش ایران و نیروهای امارت در نیمروز باعث شده بود زنگ تلفن‌ها یکی پس از دیگری به صدا درآید. سرباز امارت که ما را به‌سمت پنجشیر هدایت می‌کند، بدون هیچ حرفی مشغول تماشای ویدیوهای درگیری است و من از پنجره به شهر نگاه و سعی می‌کنم به فکرهایی که در سر او می‌گذرد کاری نداشته باشم.

به رفت و آمد مردم خیره می‌شوم، به شلوغی خیابان‌هایی که ماشین‌ها در آن گره می‌خورند و مردی که با چوبی دردست وسط خیابان مشغول راهنمایی مردم است.

از پنجشیر زیاد شنیده و خوانده‌ام چه در این ماه‌ها که اخبار زیادی در مورد مقاومت در برابر امارت مخابره می‌شد چه از گذشته‌ها و مقاومت احمدشاه مسعود در برابر ارتش شوروی سابق که مقاومت مردم و جغرافیای منطقه باعث شد به قلعه‌ای تسخیرناپذیر تبدیل شود.

از کابل که فاصله می‌گیریم راسته‌های مختلف فروش چوب و زغال و مصالح ساختمانی کنار خیابان را به تسخیر خود درآورده است. جاده ناهموار است و هر چند کیلومتر، تکه‌ای از آسفالت کنده شده که باعث می‌شود همه ماشین‌ها وارد مسیرمخالف شوند و دوباره به راه اصلی برگردند. به «چاریکار» که می‌رسیم شلوغی بازار، جاده را به پیاده‌رو تبدیل می‌کند و خیابان با موتورهای کابین‌دار بند می‌آید. به‌جاده فرعی خاکی می‌رویم و چند کیلومتر در خاکی ادامه می‌دهیم. اینجا به نسبت کابل زنان برقع‌پوش بیشتری به چشم می‌آید. کامیون‌هایی با تزئینات و نقش و نگار روی بدنه مانند قاب‌های نقاشی در حرکتند. در راه می‌شود گورستان تانک‌های رها شده را دید که از جنگ با شوروی سابق باقی مانده‌اند. تابلوی «بگرام» را می‌بینم و دوست دارم از زندان آن دیدن کنم، اما راننده می‌گوید باید مجوز داشت و دیگر مثل آن اوایل رفتن داخل آن آسان نیست.

هرچه پیشتر می‌رویم تعداد گیت‌های بازرسی جاده‌ای بیشتر می‌شود. وارد منطقه ای خوش آب و هوا می‌شویم که می‌شود عکس‌های قدیمی احمدشاه مسعود را روی در و دیوار آن دید. چند کیلومتر دیگر کوه‌های پنجشیر پیدا می‌شوند و رودخانه پر آبی که از دل آن می‌گذرد. به‌خاطر ندارم رودخانه‌ای در ایران با این حجم از آب و با این رنگ آبی کبود دیده باشم.

طاق آجری ورودی پنجشیر دیگر نشانی از عکس‌های پیشین ندارد و گوشه‌ای با خطی خوانا نوشته شده «افغانستان اسلامی امارت». بالای طاقی هم پرچم کوچک سفید امارت در باد تکان می‌خورد. سربازان طالب با اسلحه‌هایی پیشرفته در دست از ورودی محافظت می‌کنند. چند تیربار آسمان را نشانه گرفته‌اند و قاب‌هایی فلزی روی نیوجرسی‌ها خالی شده است. از گیت می‌گذریم. در راه ویلاهای بزرگ و مدرنی در کناره‌های جاده رو به رودخانه به چشم می‌خورند. ویلاهایی که گفته می‌شود حالا خالی است و ساکنان آن به کابل یا خارج از کشور رفته‌اند. از گیت دیگری می‌گذریم و به ولسوالی «انابه» می‌رسیم. تمام مغازه‌ها باز اما کم رفت و آمد هستند و ماشین‌های امارت بسرعت از خیابان‌ها می‌گذرند. کمی جلوتر پیش از رسیدن به بازارک استادیوم فوتبال مارشال فهیم خالی است، جایی که می‌گویند تا همین چند هفته پیش دو هلی‌کوپتر بلک هاوک امریکایی در آن بود. از ماشین پیاده می‌شوم. سربازی که کنارم قدم می‌زند با دست به دیواره‌هایی در نوک کوه اشاره می‌کند و به فارسی دست و پا شکسته‌ای می‌گوید: «اینجا جای خطرناکی است، ما فکر نمی‌کردیم بتوانیم اینجا را بگیریم. آن نوک را ببین اگر از آنجا شلیک کنند به ما می‌خورد اما شلیک ما به آنجا ناممکن است. اینجا پر از این ارتفاعات است و تنها یک جاده از میان این کوه‌ها می‌گذرد که مشرف به کوهستان است.» او تعریف می‌کند که شب‌های اول درگیری بین طرفداران احمد مسعود و امارت یک شب به اینجا آمد چون تصور بر این بود که ۵۰۰ نفری که در کوهستانند، جزو گروه‌های مخالف هستند اما بعد از چند ساعت که پایین آمدند فهمیدند مردم عادی هستند و آن‌طور که می‌گوید او و گروهش کاری به آنها نداشتند و به کابل برگشتند.

قدم زنان به بلوار وسط بازارک مرکز استان پنجشیر می‌رویم.

اینجا هم مغازه‌ها باز است و مردم درحال کار و عبور و مرور. نرسیده به میدان که نمادی بلند و سفید در وسط آن خودنمایی می‌کند در رستورانی می‌ایستیم که خالی از مشتری است. ساعت ۲ ظهر است و رستوران بسرعت از سربازان امارت پر می‌شود. آنها پیر و جوان کنار هم می‌نشینند و مشغول غذا خوردن می‌شوند. از نوجوان‌هایی که هنوز محاسن در نیاورده‌اند تا پیرمردانی که با ریش‌های بلند و چروک‌های عمیق و چشمانی مرموز و هوشیار حواس‌شان به همه اتفاقات اطراف هست. با شلوغ شدن رستوران کمی سریع‌تر خارج می‌شویم. صداهایی از کوه‌ها می‌آید که هر کس تفسیری از آن دارد. به‌سمت مزار احمد شاه مسعود می‌رویم که بالاتر از بازارک است. اتومبیل‌های در رفت‌وآمد با سربازانی که پشت آن اسلحه‌ها را به آسمان نشانه رفته‌اند تصویر جدیدی است که اولین بار آن را می‌بینم.

میله آهنی بالا می‌رود تا اینکه بعداز گذشتن از گردنه به زمینی مسطح با کفپوش سنگی در میان کوه‌ها می‌رسیم. یک کافه رستوران خالی، سربازان طالب در دوردست، تانکی اسقاط شده، ردیف تویوتاهایی له شده که روی آنها آرم پلیس نقش بسته، یک خمپاره‌انداز و نمای ساختمانی مدرن در چشم‌انداز کوه‌هایی که در غباری نرم در هم فرو رفته‌اند تمام چیزی است که می‌بینم. به سمت مزار احمد شاه مسعود می‌رویم.

بناهای مدرنی را با پنجره‌هایی که شیشه‌هایش شکسته رد می‌کنم و نمای مزار در انتهای مسیر با درختانی سبز در دو سو دیده می‌شود. هر طرف سر می‌چرخانم کوه است و آسمان آبی و خورشیدی که بی‌امان می‌تابد. کمی جلوتر دو سرباز طالب روی زمین نشسته‌اند. دوباره سازه‌ای دیگر با ستون‌های سنگی و پله‌هایی که بعد از گذشتن از آنها مقبره احمد شاه مسعود تکیه داده به کوه‌های روبه‌رو قرار می‌گیرد. چند سرباز با ما داخل می‌آیند. نور آفتاب از شیشه‌ها می‌گذرد و روی فرش‌ها و نمای شیشه‌ای قبر می‌افتد. اینجا احمدشاه مسعود آرمیده و ردیفی از سربازان طالب اطراف مزار او نگهبانی می‌دهند.

بیرون از مزار، فرورفتگی‌های اطراف پر از نفربرهای جنگی و ادوات نظامی است. در دوردست روستایی در دامنه کوه پیداست. دلم می‌خواهد کمی در سکوت کوهستان در گوشه‌ای بنشینم و به کوه‌ها خیره شوم. پا کشان راه رفته را برمی‌گردیم و سربازانی که در بالادست دور هم نشسته‌اند تیری هوایی می‌زنند تا شاید یادمان نرود کجا هستیم.

باید قبل از تاریک شدن هوا از پنجشیر خارج شویم اما در «انابه» توقف کوتاهی می‌کنیم. وارد دکان پارچه‌فروشی می‌شوم که به‌نظر پاتوق مغازه‌داران همسایه هم هست. پسر جوانی می‌گوید: «از مقاومت خبری نیست و اگر هم باشند در کوهستان است.» دیگری که پیرمردی است تکیه داده به پارچه‌ها می‌پرسد: «شما دوست‌داری در کشورت جنگ باشد؟ ما هم دوست نداریم جنگ باشد.» ۵ نفری که در مغازه هستند از علاقه به احمد شاه مسعود می‌گویند و پسرش را مردی جوان می‌دانند که اهل تحصیل است نه جنگ و درگیری. مرد میانسالی می‌گوید: «او از اول هم جنگ نمی‌خواست و این امرالله صالح بود که دنبال جنگ بود.» پسر دیگری از راه می‌رسد، نگاهی به سربازان طالب می‌اندازد که بیرون مغازه راه می‌روند و می‌گوید: «مقاومت خوب بود اما هماهنگی و رهبری درست نبود.»

او با موبایل عکس‌هایی نشانم می‌دهد از روزهای اول ورود طالبان که از ترس به کوه‌ها پناه برده بودند: «آنجا لای درز کوه‌ها ماندیم اما زن و بچه همراه ما بود و یکی، دوشب بعد پایین آمدیم و برگشتیم به خانه و زندگی.» کاسبان انابه با اینکه به کار و زندگی برگشته‌اند اما از کم رونقی بازار گلایه دارند. در راه برگشت چشم از درختان پاییزی برنمی‌دارم که با پس زمینه کوه‌ها و رودخانه خروشان در قاب پرسرعت پنجره اتومبیل فرار می‌کنند. حالا دیگر می‌دانم پنجشیر دره‌ای است با زیبایی‌های فریبنده و خطرناک.

> بیرون از مزار، فرورفتگی‌های اطراف پر از نفربرهای جنگی و ادوات نظامی است. در دوردست روستایی در دامنه کوه پیداست. سربازانی که در بالادست دور هم نشسته‌اند تیری هوایی می‌زنند تا شاید یادمان نرود کجا هستیم. در راه برگشت چشم از درختان پاییزی برنمی‌دارم که با پس زمینه کوه‌ها و رودخانه خروشان در قاب پرسرعت پنجره اتومبیل فرار می‌کنند. حالا دیگر می‌دانم پنجشیر دره‌ای است با زیبایی‌های فریبنده و خطرناک

## جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۸۳۰

### آسان

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۲ | | | ۳ | | ۱ | ۴ | | |
| | | | ۷ | | | | ۲ | |
| | ۹ | ۴ | | ۶ | | | ۱ | ۷ |
| ۳ | | ۹ | ۴ | ۷ | | | | |
| | ۶ | ۲ | | | | ۹ | ۷ | |
| ۱ | ۳ | | | ۵ | | ۲ | ۶ | |
| | ۲ | | | | ۳ | | | |
| | | ۶ | ۱ | | ۸ | | | ۹ |

### متوسط

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | | | | ۵ | | | ۸ | ۶ |
| | ۴ | | ۸ | ۱ | | | | ۳ |
| | ۸ | | ۷ | | | ۴ | | |
| ۳ | | | | | ۵ | ۲ | ۴ | ۹ |
| | | | | | | | | |
| ۷ | ۵ | ۹ | ۳ | | | | | ۸ |
| | | ۱ | | | ۷ | | ۲ | |
| ۶ | | | | ۹ | ۱ | | ۳ | |
| ۵ | ۳ | | | ۴ | | | | ۱ |

### سخت

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | | ۷ | | ۹ | ۴ | | |
| ۳ | ۶ | | | | ۴ | | | ۵ |
| ۱ | | | | ۵ | | | ۲ | |
| ۴ | ۷ | | | | | ۵ | | |
| | | | | | | | | |
| | | ۲ | | | | | ۴ | ۶ |
| | ۸ | | | ۳ | | | | ۲ |
| ۶ | | | ۸ | | | | ۷ | ۹ |
| | | ۵ | ۲ | | ۷ | | | |

### خیلی سخت

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۴ | | | | ۶ | | | | ۸ |
| | | ۵ | | ۷ | | | | |
| | | | | ۳ | ۲ | ۴ | ۱ | |
| | | | | | | | ۹ | |
| ۲ | ۴ | | | ۹ | | | ۶ | ۱ |
| | ۱ | | | | | | | |
| | ۵ | ۸ | ۴ | ۲ | | | | |
| | | | | ۱ | | ۶ | | |
| ۷ | | | | ۵ | | | | ۹ |

## یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۷۹۹

### جدول عادی

**افقی:**
۱- آواره و دربه‌در- حلال کاغذی مشکلات!
۲- پول خارجی- کرم بافنده- مکر، حیله
۳- روبند- پرنده‌ای با پاهای بلند- سازمان سابق جهنمی
۴- رودی که از شش کشور اروپایی می‌گذرد- بلی در مکالمه- بخش پذیرایی خانه
۵- از خواهران برونته- بدبویی، گندیدگی- مصدر مرخم دوختن- حرف نفی ابد
۶- بوقچی- محوطه اسکی- مخفف آواز
۷- نقره- خوبی‌ها و نیکویی‌ها- تورم و باد
۸- تروتازه- آنکه شاعر- نام‌ها
۹- مقید و محبوس- فیلمی از «سیاوش سرمدی» (روی پرده سینما)- بازداشتن
۱۰- همه به آن محتاجیم- زیاد شده- ضد «شلوغ»
۱۱- پول «ژاپن»- پاک و پاکیزه- کشوری باستانی- شهر خرما
۱۲- گردآوری شده- جست و خیز- ایست انگلیسی
۱۳- مکمل «کت»- گوش دادن مخفیانه- منتهی شونده
۱۴- یار- استخوان پا- گلی سفید و خوشبو
۱۵- مخترع «چنگ»- ورزشی تاریخی و مفرح

**عمودی:**
۱- زخم‌بندی- شهری در استان اصفهان
۲- مرض زردی- اصطلاح خیاطی- تاجریزی
۳- پاییز- مرکزش «سارد» بود- یکی از ابزارهای رایانه‌ای
۴- گونه‌ای پرنده آبچر از راسته سقامرغ سانان- پشیمانی
۵- بوی کهنگی- سپس- ریاکار
۶- صندلی راحتی- طرز رفتار- زینت یافته- سنگریزه
۷- جمع رکن- سریالی به کارگردانی «سید جلال دهقانی اشکذری»- پراکندگی
۸- کبود- ۵۰۰- آشنا
۹- دودلی- سبکی موسیقایی- سفینه فضاپیما
۱۰- مایه- نام گلی- اسب رستم- بهشت کوهنوردان ایران
۱۱- با «پاخت» تبانی است- درفش- شعله آتش
۱۲- ضامن شدن- شهرت و اعتبار و احترام
۱۳- امپراطور رم- ضد «خیانت»- کرم کدو
۱۴- ازادات استفهام- اثر «جامی»- پاک کننده غلات
۱۵- اثر «محمدتقی بهار»- کامیون باربری

### جدول ویژه

**افقی:**
۱- سریالی از «راما قویدل»- این هم سریالی از «سعید آقاخانی»
۲- نوعی یقه- موکت- آمال کوهنوردان
۳- اسباب بازی- ستاره دنباله‌دار- ماده رنگی جامدی برای نقاشی
۴- کشور اروپایی- درمثل غنیمت است- فیلمی از «بهرام ارک» (روی پرده سینما)
۵- ضمیر غایب- پیدا کرد- غیرت- مملو
۶- دستگاه توزیع برق خودرو- بزرگ- بگرد!
۷- زیبایی دریایی!- ترساندن کلامی کسی- سبیل
۸- همسر فرنگیس- روز- ناسزا
۹- مطالعه تندوگذرا- امور- کلمه شرط
۱۰- زرد کمرنگ- عظمت- وسیله‌ای برای جوشاندن آب
۱۱- صدای مگس- مشگین شهر قدیم- جلسه مشورتی- شهر مصر قدیم
۱۲- ادب آموخته- دوش- جنگ افزار گرم
۱۳- پسر یعقوب نبی- پیشگوی مصریان قدیم- گراور ساز آلمانی
۱۴- بی خبر از پیاده- ذره بنیادین دارای بار خنثی- خرد
۱۵- مرکز «جزایر مارشال»- پایتخت جمهوری خودمختار «داغستان»

**عمودی:**
۱- محله «آرامگاه کمال‌الملک»- مکتب ادبی اصالت احساس
۲- مرحبا- نامی در شاهنامه- علت سیاه‌شدگی نقره
۳- یخ رُفت- کمد کشویی- دریای نآرام
۴- ابزار جازدن و خارج کردن لاستیک- ماشین
۵- همان گپ است- پسوند آلودگی- اپرای وردی
۶- مقدار بسیار جزئی- درگذشت و رحلت- گوشت بریان- دل آزار کهنه
۷- شجاعت- داد و فریاد مردم- مخفف که او
۸- بندر بوشهر- تیرگی خاطر- نگین انگشتری
۹- سازشکوه‌گر- دایه پیامبر (ص)- پسر تیمور
۱۰- آفرین- مرهم- بازگشت صدا- نوعی شورلت
۱۱- تفرجگاه تهران- نیمسال- نه عامیانه
۱۲- کنایه از کار دشواری که راه‌حل برای آن پیدا نشود- رئیس جمهور «سوریه»
۱۳- اپرای خنده‌دار- پولی که یکجا به کسی داده شود- یکی از دو کمدین مشهور
۱۴- درخت هندی- در آزمایشگاه از این وسیله برای مکش استفاده می‌شود- سرعت بخشیدن
۱۵- رشته‌ای از دستورها برای انجام عملیاتی به‌صورت سلسله‌مراتب در ریاضی- از پدیده‌های جغرافیایی

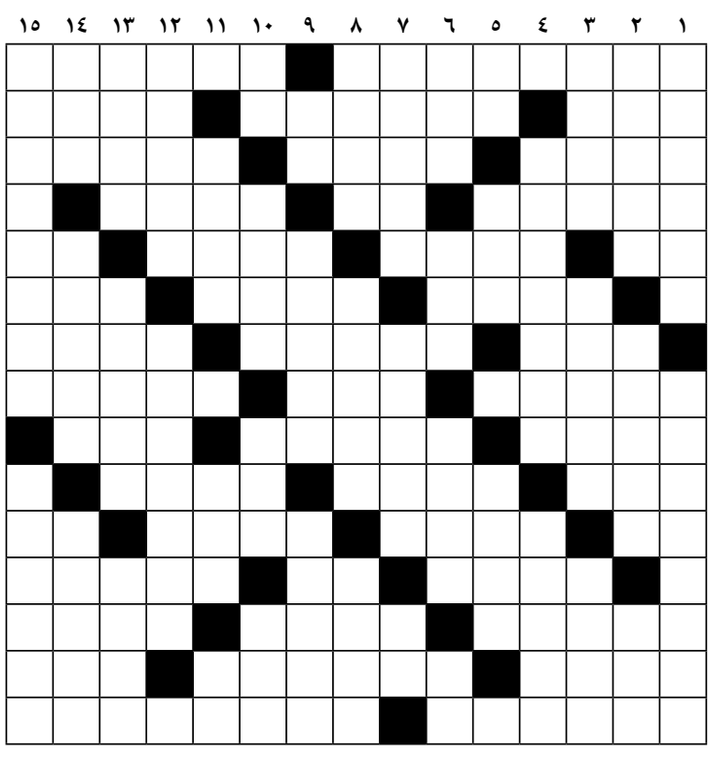

### حل جدول عادی شماره ۷۷۹۸

| | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ل | ا | ن | ت | ا | ج | ■ | ■ | ت | ا | ن | ■ | س | ن | د |
| ۲ | ر | ت | و | ■ | ن | ا | ق | ت | ا | ن | ■ | ق | ا | ه | ■ |
| ۳ | ■ | ر | ■ | ق | ا | ■ | ل | ا | ■ | ■ | ق | ا | ■ | ■ | ن |
| ۴ | ■ | ■ | ■ | ا | ■ | ■ | ا | ■ | ■ | ق | ا | ■ | ■ | ■ | ■ |
| ۵ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ |
| ۶ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ |
| ۷ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ |
| ۸ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ |
| ۹ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ |
| ۱۰ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ |
| ۱۱ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ |
| ۱۲ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ |
| ۱۳ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ |
| ۱۴ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ |
| ۱۵ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ | ■ |

### حل جدول ویژه شماره ۷۷۹۸

| | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ل | و | ا | ر | ■ | ا | ل | ا | ن | ■ | ا | و | ل | ب | ■ |
| ۲ | و | ا | ر | د | ■ | گ | ا | و | ■ | ن | ت | ■ | ن | گ | ن |
| ۳ | ی | ک | د | ل | ن | ی | ■ | ت | ر | ی | م | ■ | د | و | ل |
| ۴ | ی | م | ن | ■ | ن | د | ل | ■ | م | ن | ج | م | ■ | ی | ی |
| ۵ | ا | ن | ■ | ی | ک | ر | ا | ی | ■ | ب | د | و | ی | ■ | ■ |
| ۶ | ل | ■ | ت | ا | ی | ■ | ی | م | ن | ■ | ن | و | ی | ن | ل |
| ۷ | ■ | ن | ی | س | ■ | ک | ا | م | ا | ر | ■ | ر | و | ■ | ن |
| ۸ | و | ا | ن | ی | ل | ■ | د | ک | ت | ■ | ز | ن | ■ | د | ی |
| ۹ | س | م | ■ | ا | ل | ب | ■ | ا | ر | ا | ■ | ه | ت | ■ | ک |
| ۱۰ | ر | ی | ل | س | ا | ن | ■ | ن | ر | ا | ن | ■ | ش | ر | و |
| ۱۱ | ■ | گ | ی | و | ی | ه | ■ | ا | ن | ی | ل | ■ | ه | ■ | س |
| ۱۲ | ا | ط | و | ■ | ز | ک | ا | م | ■ | ک | ر | ی | ■ | ف | ■ |
| ۱۳ | گ | ر | ی | م | ■ | و | ر | س | ن | ک | ■ | ن | ی | س | و |
| ۱۴ | ر | ی | ا | ر | ل | ن | ی | ن | ■ | ل | ن | ی | ن | ■ | ز |
| ۱۵ | ه | ■ | ش | ن | ی | ن | گ | ف | ت | ن | ز | ت | ■ | ش | ت |

### حل جدول سودوکو شماره ۳۸۳۰

آسان

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۵ | ۸ | ۴ | ۶ | ۱ | ۷ | ۳ | ۹ | ۲ |
| ۶ | ۳ | ۷ | ۹ | ۸ | ۲ | ۱ | ۵ | ۴ |
| ۱ | ۹ | ۲ | ۴ | ۵ | ۳ | ۶ | ۷ | ۸ |
| ۸ | ۴ | ۵ | ۲ | ۶ | ۹ | ۷ | ۱ | ۳ |
| ۷ | ۱ | ۹ | ۳ | ۷ | ۵ | ۸ | ۴ | ۶ |
| ۳ | ۶ | ۲ | ۸ | ۴ | ۱ | ۹ | ۲ | ۵ |
| ۴ | ۵ | ۸ | ۷ | ۳ | ۶ | ۲ | ۱ | ۹ |
| ۹ | ۷ | ۶ | ۱ | ۲ | ۸ | ۵ | ۳ | ۷ |
| ۲ | ۲ | ۳ | ۵ | ۹ | ۴ | ۴ | ۶ | ۱ |

متوسط

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۲ | ۶ | ۵ | ۳ | ۸ | ۴ | ۹ | ۷ |
| ۹ | ۴ | ۳ | ۱ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۲ |
| ۵ | ۸ | ۷ | ۴ | ۶ | ۹ | ۳ | ۱ | ۲ |
| ۳ | ۵ | ۹ | ۲ | ۴ | ۶ | ۱ | ۷ | ۸ |
| ۶ | ۷ | ۴ | ۸ | ۱ | ۳ | ۹ | ۲ | ۵ |
| ۲ | ۱ | ۸ | ۹ | ۷ | ۵ | ۶ | ۴ | ۳ |
| ۴ | ۳ | ۵ | ۶ | ۹ | ۱ | ۲ | ۸ | ۷ |
| ۸ | ۹ | ۱ | ۷ | ۲ | ۴ | ۵ | ۳ | ۶ |
| ۷ | ۶ | ۲ | ۳ | ۵ | ۸ | ۷ | ۱ | ۹ |

سخت

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۸ | ۱ | ۵ | ۷ | ۲ | ۶ | ۹ | ۴ | ۳ |
| ۹ | ۴ | ۳ | ۵ | ۸ | ۱ | ۷ | ۶ | ۲ |
| ۲ | ۶ | ۷ | ۹ | ۳ | ۴ | ۵ | ۸ | ۱ |
| ۵ | ۳ | ۸ | ۶ | ۴ | ۲ | ۱ | ۷ | ۹ |
| ۱ | ۷ | ۶ | ۳ | ۹ | ۵ | ۴ | ۲ | ۸ |
| ۴ | ۹ | ۲ | ۱ | ۷ | ۸ | ۳ | ۵ | ۶ |
| ۶ | ۸ | ۹ | ۴ | ۵ | ۳ | ۲ | ۱ | ۷ |
| ۷ | ۵ | ۱ | ۲ | ۶ | ۹ | ۸ | ۳ | ۴ |
| ۳ | ۲ | ۴ | ۸ | ۱ | ۷ | ۶ | ۹ | ۵ |

خیلی سخت

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۸ | ۱ | ۵ | ۷ | ۲ | ۶ | ۹ | ۴ | ۳ |
| ۹ | ۴ | ۳ | ۵ | ۸ | ۱ | ۷ | ۶ | ۲ |
| ۲ | ۶ | ۷ | ۹ | ۳ | ۴ | ۵ | ۸ | ۱ |
| ۵ | ۳ | ۸ | ۶ | ۴ | ۲ | ۱ | ۷ | ۹ |
| ۱ | ۷ | ۶ | ۳ | ۹ | ۵ | ۴ | ۲ | ۸ |
| ۴ | ۹ | ۲ | ۱ | ۷ | ۸ | ۳ | ۵ | ۶ |
| ۶ | ۸ | ۹ | ۴ | ۵ | ۳ | ۲ | ۱ | ۷ |
| ۷ | ۵ | ۱ | ۲ | ۶ | ۹ | ۸ | ۳ | ۴ |
| ۳ | ۲ | ۴ | ۸ | ۱ | ۷ | ۶ | ۹ | ۵ |